

انگلو ساکسن بدادرسان رسمی (که مستخدم دولت اند) بسیار اهمیت داده آنها را از بهترین طبقات نجیب و باشرافت و باسواد (مخصوصاً در رشته حقوق) برگزیده و در عوض زندگی مادی آنها را نیز از هر جهت بحد خارج از انتظاری تأمین میکنند تا در نتیجه دادرسی از هر گونه نفوذ احتمالی و یا امکان تعسر مالی که منتهی بر سوخ این نفوذ در او گردد - بر کنار بماند .

در کشور فرانسه چنانچه گفتیم فقط در امور جنائی و بازرگانی هیئت منصفه دخالت داشته و بیشتر جنبه تخصصی دادرسی مورد نظر و بهمین جهت اختلاف طبقات در هیئت منصفه و تنوع آنها دیده نمیشود چه وقتی توسط باین هیئت جنبه استثنائی داشت دیگر اولاً مراجعه عموم بسیار کم نایباً کار هیئت منصفه نیز خیلی زیاد نیست و بلکه در هر سال چندماه و در هر ماه چند روز بیشتر مشغول کار نبوده مخصوصاً دیوان جنائی (که مانند

سایر دادگاهها در ایام تابستان بکلی تعطیل است) در فصل عادی دادرسی هم دوره اجلاسیه محدود و معینی دارد. بهمین جهت حقوق هیئت منصفه نیز خیلی جزئی و قبول آن هم اجباری است.

از طرف دیگر در کشور اخیر چنانچه تذکر دادیم کم کم جنبه تخصصی و فنی دادرسی غلبه کرده و حتی در امور جنائی نیز رفته رفته اختیارات هیئت منصفه محدود تر و برعکس دخالت قضات رسمی در دادرسی ورآی بیشتر میشود .

البته جای تردید نیست که این طرز دادرسی بیشتر وابسته با طرز تربیت و فکر - و نوع محیط و اخلاق و مقتضیات اجتماعی است در بعضی از کشورهای مغرب زمین ممکن است کاملاً رواج و در کشورهای دیگری از همین قاره صورت عمل نداشته و در نزد اقوام دیگر فقط پاره از امور که با این سنخ دادرسی موافقت دارد بدست هیئت منصفه سپرده شود .

دکتر ع. اخوی

روانشناسی و رواندگی

حوادث ناشی از اتومبیل

نگارش

حسن بزدانی
کارورز بیمارستان شهرداری

دکتر ع. مبرسیاسی
کارشناس رسمی وزارت دادگستری
بزرگ و معاون بیمارستان شهرداری

در مسائل علم الحیاتی بشر پدید آورده است مثلاً اختراع چراغ برق در مدت و عمق خواب تاثیر کلی دارد چنانچه در گذشته میان طول خواب و تاریکی نسبت مستقیمی موجود بوده است - با اختراع برق زندگانی روزانه تادل شب ادامه یافته است و طبعاً خواب کمتر شده است نور مصنوعی توجه را بیدار دقت راهشمار و موجب کار یا تفریهای طولانی کشته مانع آسایش و سلب توجه از محیط خارجی که اصل اساسی بروز خواب است

ترقیات روز افزون بشری که تا قرن هیجدهم جریان کند و بطی داشت در این دو قرن اخیر سرعت غریبی یافته مخصوصاً در این اواخر صورت خارق عادتی پیدا نموده است - بصورت ظاهر انسان بخوبی با تمام این ترقیات محیر العقول هم آهنگ شده گوئی تاثیر عمیقی در وجود انسان ندارد ولی چون بانظر باریک تری بحقایق چشم اندازیم در خواهیم یافت که این پیشرفت ها که ظاهراً برای آسایش و خوشی زندگانی بوده عملاً بتدریج تغییراتی

اتومبیل رانی بخودی خود مولد يك سلسله شرایط روحی مخصوصی است بطوری که هر کس مشخصات روحی او هر چه باشد بمحض اینکه پشت رل نشست تغییر روحیه میدهد علاوه بر احساسات اضطرابی و ترس و غمی که مخصوصا در مقدمه تعلم رانندگی بسیار شایع است مشاهده میشود که نزد بیشتر رانندگان «احساس توانائی» را شدت میدهد این احساس توانائی اغلب با «حس خوش بینی» «احساس بیشی نیرو» همراه بوده گاه نیز نزد برخی تولید يك «حس» قدرت مطلق می نماید در روان شناسی محرز است که نزد برخی «احساس توانائی» بیان دازه شدت می یابد تا با احساس کمی و پستی که در سازمان روحی بسا اشخاص مشاهده میشود توازن نموده بین این دو احساس متضاد تعادل برقرار نماید البته این احساسات کمی و پستی معلوم خود شخص نیست زیرا این احساسات مطبوع و مطلوب نیست شخصی سعی دارد آنها را در نهانگه خاطر بفراموشی بسپرد و این موجب رفتار احساسات و صفات مخصوصی گردد که چون نیک بنگریم واکنش هائی است که بی آنکه معلوم شخص باشد برای جبران همان احساس پستی تولید شده است - روان شناسان می دانند که اغلب خودستائی ها خودخواهی ها و اظهار زور و نیرو کردن ها علامت يك ترس و اضطراب و فقدان امنیت درونی نا معلومی است. در صورتی که برعکس احساس پستی و ترس و اضطرابی که بر خود شخص معلوم است بخوبی در قیافه و رفتار و مدارج روحی او نقش می باشد. طرز رانندگی این دسته اخیر (ترس و هائی با احساس پستی) بخوبی معرف روحی آن ها است: ترسو، محجوب، مردد در پشت رل نشسته آرام و بکندی می رود و هیچگاه بر سرعت نیفزاید همواره از ترس اتفاقات ناگوار از میانه جاده می رود، هر آن ترمز می کند، بدون لزوم بوق می زند، در مقابل مختصر ازدحام وسائل نقلیه دیگر ایست کرده پیاده شده، صبر و بردباری می کند تا خلوت شود - البته اضطراب و احتیاط در بدو رانندگی طبیعی است. کیست

گردیده است این تاثیر نور مصنوعی در عمل خواب ثابت می نماید که ترقیات مادی در مسائل علم الحیاتی بشر مؤثر و نظم زندگانی عادی را تغییر می دهند چنانچه مرغانیپهائی را که بانور مصنوعی يك قسمتی از شب روشن نگاه میدارند مرغهای آن تخمهای بهتر و بیشتری میدهند.

بنابر این بسیاری از ترقیات مادی عامل تغییراتی است در طرز عادات زندگانی و عکس العملهای جسمی و روحی بشر و واضح است که این تغییرات (که مستلزم هم آهنگی فوری در مقابل حقایق سریعا متغیری است) باسانی صورت نمیگیرد - بحران فعلی عالم را با اصول اجتماعی و سیاسی متضاد و فقدان تعادل بین آنها را از نظر روان شناسی بایستی عکس العمل هائی در مقابل ترقیات صنعتی فنی و تجارتنی دانست

پس از لحاظ بهداشت روحی نمی توان از اختراعات علمی و ترقیات صنعتی و فنی و واکنش های آنها در انسان چشم پوشید زیرا ممکن است مستقیم یا غیر مستقیم این ترقیات موجب عوارض مرض شخصی یا اجتماعی بشود (در نتیجه فقدان هم آهنگی روحی) از این ترقیات فعلا رانندگی و اتومبیل را در نظر داشته و مورد بحث قرار میدهم

اتومبیل موجب تاثیرات عمیق و مختلفی در وجود انسان شده است و ملاحظه میکنیم که بحران مالی فعلی که تقریباً تمام رشته های صنعتی را فلج نموده چندان مانع پیشرفت و تعمیم اتومبیل نشده است و این ثابت نماید که اتومبیل تنها احتیاجات انسانی را تامین نمی کند بلکه جنبه تفریحی آن بیشتر است و این امر یکی از مسائل روحی محرز و مسلمی است که انسان باسانی از احتیاجات لازم و مفید خود صرف نظر نموده ولی کمتر حاضر است در لذایذ آنی و آنچه در مذاق وی شیرین آید تقلیلی روا دارد.

که رانندگی می آموخته و تا چند روز بلکه تا چند هفته برای نخستین دفعه افکار ترس و اضطراب بر وی چیره نشده باشد؟

حتی نزد اشخاصی که ادعای شجاعت و سرنترس داشتن می نمایند این ترس و اضطراب علی رغم آنها بصورت های مختلفی عرض اندام نموده معرف روحیه ترسو و مضطرب راننده است یکی نعل در اتومبیل خود می کوبد. دیگری عکس های مردمان بزرگ مذهبی را مقابل جایگاه خویش می آویزد، عبارات مختلف مذهبی (در کلیه مذاهب) برای نگهداری از اتفاقات سوء نوشته و بدرج و داخل اتومبیل می آویزند. اینها در واقع خرافاتی است که طبیعی بشر بوده و از بدو خلقت عالم بصورت های مختلفی وجود داشته و تماما برای حفظ او در مقابل خطرات اتفاقی بکار میرفته و روانشناسان این خرافات را زائیده ترس معلوم و نامعلوم بشر می دانند.

اما احساس توانائی که رانندگی اتومبیل در شخص ایجاد می کند باسانی قابل تجزیه و مشاهده است کافی است یکمرتبه در پشت رل نشسته و اتومبیل خوب و سریع و قوی را راننده باشیم تا آن احساس توانائی و حالت کیف و خلاصه ای که سرعت و پیچ و خم های راه در راننده تولید می کند تصور نمائیم در آن موقع راننده خود را با اتومبیل یکی دانسته و قدرت او را قدرت خود می داند چنانچه دیگر خیال می کند اوست که نیرومند است و بسا رانندگان را شنیده ام که میگویند: «سر بالائی شمیران روی نود می رفتم هیچ خسته نشدم» یا «من با او حاضرم مسابقه بدهم ساعتی صدمه اگر جاده خوب باشد میتوانم رفت» تمام اینها دلیل بر این است که راننده بدون آنکه متوجه باشد خود را با اتومبیل یکی دانسته و صفات خوبی سرعت و نیروی او را نیروی خود دانسته و بدان مباهات میکند همین طور که سرعت، خوبی در سرنترس می آید. هر چه خود خواهد و احساس توانائی

راننده است برعکس پنجر شدن ها از کار افتادن ها و کلیه ناگواریهایی که رانندگان از آن آگاهند در روحیه راننده تاثیر عمیقی می کند چه همان طور که در بالا گفتیم این همه نادرستی و کجی و خرابی را که از ماشین است ندانسته بخود متوجه نموده و از آن رنج میبرد

حتی بعضی اشخاص همینکه پشت رل نشستند شخصیت روحیشان تغییر می نماید مثل اینکه رانندگی بخودی خود بعضی خصائل و صفاتی را که در زندگانی عادی پنهان مانده بود افزون تر می نماید. مردمان قدیم می گفتند برای شناختن اشخاص با آن ها مسافرت کنید و یا معامله نمائید امروز جا دارد بگوئیم رفتار و گفتار و تظاهرات روحی شخص را موقعیکه پشت رل نشسته است مطالعه و بررسی نمائید تا شخصیت روحی او بر شما معلوم گردد شاهد بر این مدعا ملاحظه برخی از رانندگان است که در زندگانی عادی اصطلاحات و عبارات صحیح و مؤدبی دارند ولی همینکه پشت رل نشستند با کمترین بهانه فلان پیاده رو یا راننده دیگری را در گذر راه بیاد فحش گرفته و عبارات رکیک و موهنی بر زبان میراند هم چنین اصراری که در اذیت کردن راننده یا راننده دیگری دارند و میل مفروطی که بجلو زدن از راننده دیگری (بدون لزوم) نشان میدهند همه دلیل بر تشدید افراط و فزونی گرفتن «حس توانائی» است شاهد برای افراط «حس توانائی» راننده بسیار است کدام راننده ای است که با راه آهن میل یا فعل مسابقه نهادن را نداشته است؟ کدام راننده است که از راننده دیگری که با اصرار بوق از او راه می خواهد که بگذرد خشمکین نشده باشد؟! گاه باشد که راننده محتاط چون دیگری خلاف آئین نامه راننده مثلا با سرعت گذشته است با او مسابقه سرعت و یابی احتیاطی نماید باین عنوان که باید اطاعت مقررات را با او بیاموزم این جا در واقع همان احساس توانائی است که چون از رفتار دیگری آسیب دیده برای جبران آن و ابراز توانائی خویش بصورت درس ادب دادن. اطاعت مقررات را آموختن جلوه مینماید

خصائل روحی راننده تنها در نتیجه اتومبیل رانی منحرف نشده بلکه دیگران نیز که در راه رفت و آمد دارند زیر تأثیر همین انحراف احساسات واقع شده اند. چنانچه پیاده ها بدون اینکه توجهی داشته باشند بر ضد اتومبیل انعکاسات خشم و غضب غریزی دارند برخی از مقررات در بعضی کشورها که اتومبیل رانی را محدود می نماید خود انعکاسی از این کینه می باشد. تاچندی پیش در کشور سوئیس مقرر بود که در پیچ و خمهای کوهستانی حتماً بایستی اسبی بجلو اتومبیل بسته شود مدعی بودند که این مقررات برای حصول امنیت همگانی لازم است ولی چون در عمق قضیه فرو رویم دریابیم که انعکاسات غریزی حس توانائی بوده که باین صورتها میخواسته «توانائی» دیگری را محدود کرده باشد چه همان طوری که راننده نیروی کار ماشین خود را بان نیروی شخصی اشتباه نموده و حس توانائی او قوت می یابد معکوساً پیاده ها حس کینه غریزی نسبت براننده دارند. عجب تر آنکه همین پیاده ها چون روزی راننده شدند جبران کمی و پستی را که در پیاده روی احساس می کردند در نیرومندی کنونی خویش در کار افراط نموده و باتشخص ترین رانندگان می شوند. این ستیزه روحی مابین پیاده و راننده اگر در شهرها تدریجاً بدست عادت ازین رفته باشد برعکس در راه های بین شهرها که رفت و آمد نسبت بجاده های شهری کمتر است بصورت مسابقه در بدنفسی و کینه ورزی در آمده است.

فلان پیاده رو در میان جاده رفته و راه را براننده اتومبیل مسدود نموده گوئی بازبان بی زبانی و یا بابیان روحی باو میگوید «افاده میکنی میخواهی سرعت خود را بمن بنمائی پس حالا قدری بوق بزنی معطل نشو...» یافلان دهاتی که گاری خود را با دست از میان جاده می برد چون اتومبیلی مشاهده کند مخصوصاً با کندی رفته میل دارد قدری گردانه سریع را معطل کرده باشد و اگر اعتراضی از راننده بشنود زبان دشنام و ناسزارا

کشاید بدین وسیله خواهد توانائی خویش را بنمایاند. اینان بدینوسیله خواهند خود را قوی تر از راننده نشان دهند. البته کودکان که خود را ضعیف و ناتوان میدانند بیشتر تحت تأثیر این احساسات واقع شده و بیشتر موجب دشواری عبور و مرور هستند کی است که اگر در يك درشکه نشسته بچه های کوچ را نشنود که فریاد میزنند و عبارات رکیک و دشنام های آبداری به راننده درشکه خطاب می کنند. کدام بچه ای است که داشتن يك اتومبیل، موتوسیكلت یا لااقل دو چرخه های جزو آرزو های کودک کی او نباشد؟ هیچ پسر بچه ای را که بتازگی دارای يك دو چرخه شده است در حین دو چرخه سواری مطالعه کرده اید؟ که چگونه سینه را سپر کرده سر را بالا و نگاه های متکبرانانه به روندگان دیگر انداخته و باچه سرعتی بوق زنان در کوچه ها، پیاده رو ها رفت و آمد میکنند؟ همیشه پشت رل نشستن، موتوسیكلت راندن یا لااقل دو چرخه داشتن منتها آرزوی کودکان است. چه تماماً ظاهر قدرت و توانائی دارند.

روی همین اصل است که امروز در تمام کشورها شغل رانندگی لو کوموتیو - اتومبیل و امثال آن از شغل هایی است که داوطلب زیاد دارد. امروز البته هوا پیمائی و خلبانی رانیز باید بر آن اضافه نمود چه در این وسیله حمل و نقل مخیله بلند پرواز بشر بآرزوی خود می رسد.

چگونه ممکن است هوانوردی که آسمان زیر پر خود دارد و بایک اشاره و اراده خود فرسنگ ها شاهین واری پرد حس توانائی در او تولید نشده شدت نیابد؟ تهیه اتومبیل های کم قیمت و تسهیل در فروش آن نه تنها از لحاظ اقتصادی و از نظر اجتماعی قابل توجه است بلکه از نظر روان شناسی و بالابردن سطح فکری افراد بسیار مهم میباشد. اگر چه هنوز تأثیرات اتومبیل رانی در روحیه بشر کاملاً روشن نشده و بسیاری از

در امور جنائی جوانان است عقیده دارد که جنایات نزد جوانان و بطور کلی کارهای مربوط به تبه کاری با ترقی و ازدیاد نیروی اتومبیل رانی نسبت مستقیم دارد زیرا علاوه بر افراط حس توانائی که اتومبیل نزد آنها ایجاد مینماید وسیله خوبی برای فرار از کیفر قوانین دادگستری است و بجه دزدی و بطور کلی آدم دزدی و دزدهای بانك که در آمریکا شیوع پیدا کرده نتیجه تسهیلاتی است که اتومبیل فراهم نموده است.

پزشك امریکائی دیگری که بازرر آموزشگاهها است عقیده دارد که « اختراع اتومبیل اثر ناگواری در روحیه نسل های جدید امریکائی نموده است » و گذارش مفصلی بوزارت فرهنگ داده است.

از همه گذشته زیان بزرگی که اتومبیل بجامعه های بشری میزند تصادف های ناگوار اتومبیل رانی است: در امریکای شمالی سی هزار نفر در سال بر اثر اتفاقات عبور و مرور کشته میشوند.

در سایر کشورها نیز هر کدام سالیانه از این راه کشته هائی میدهند پس لازم است شرایط روحی و علل روانشناسی این اتفاقات عبور و مرور را تحت مطالعه در آوریم باشد که بر این درد درمانی یافته و از عده مرگهای اتفاقی عبور و مرور بکاهیم .

طبق آماریکه در کشورهای مختلف تنظیم شده است معلوم می شود که هشتاد درصد از اتفاقات رانندگی نتیجه عوامل شخصی روحی است و فقط بیست درصد در اثر وضعیت جاده، پنچر شدن، معایب ساختمانی و فقدان تعمیرات لازم میباشد.

در نتیجه این آمار متوجه سلامت جسمی و روحی و حسن عمل حواس خمسہ رانندگان شده و پیشنهاد شده بود که برای رانندگان امتحان طبی نیز برای اخذ گواهینامه رانندگی منظور شود.

تغییرات علم الحیاتی است که متوجه نیستیم. معذک در همین چندساله باندازه کافی در حیات انسانی تغییرات حاصل کرده که بتوانیم روحیه این عصر را روحیه اتومبیل پناامیم: در امریکا اتومبیل رانی بیشتر از همه جا شایع و ملاحظه تأثیرات آن آسان تر است. چه در آنجا ارزانی بهای ماشین باعث شده است که نه تنها متمولین مالک اتومبیل بوده بلکه هر کس با مختصر پس اندازی می تواند صاحب يك اتومبیل بشود - در هر جا که اتومبیل زود در دسترس جوانان قرار گرفته است چون اینان هنوز بازحمات شخصی لیاقت روحی « افزایش توانائی » پیدا نکرده و این افزایش مقدماتی نتایج خوبی نداده است اتومبیل برای این جوانان بمنزله وسیله آزادی مطلق است که در تربیت آن ها داده می شود و چون هنوز نیروی عقل نزد جوان انسجاسی نیافته که سوء استفاده های اخلاق از این آزادی مطلق نکنند ناچار مبادی اخلاق از این آزادی آسیب بیند. از آنجمله مسائل جنسی در نتیجه این آزادی لجام گسیخته گردد دختران و پسرانی که با اتومبیل های شخصی خود به آموزشگاه می روند از مراقبت کسان خود محروم و بالتلیجه بسیاری از عادات و آئین های اخلاقی زیر پای بوالهوسی گذاشته می شود از این جاست که می توان نتیجه گرفت در برخی از کشورها ضعف اخلاقی نتیجه اتومبیل است. البته مردان نیز از این وسیله تفریح و عیش استفاده نموده چنانچه پنش (کاریکاتورست معروف) نقاشی دارد بنام «راه عشاق دیروز و امروز» عاشق و معشوق قدیمی در يك جاده خلوتی بازو ببازوی هم داده زیر اشعه نقره فام ماه بگردش مشغولند عاشق و معشوق متجدد در يك جاده قدیمی که پراست از اتومبیل های متعدد در درون ماشینها به تبه کاری و تفریح سرگرم میباشند.

دکتر هیل امریکائی از « بستن » که متخصص

روحیه اش آزمایش شده و دارای گواهینامه است. پس از یکشب خستگی و آشامیدن نوشابه های الکلی روحیه اش ناتوان. اضطرابش افزون و در نتیجه امکان پیش آمد ناگوار برای وی بیشتر است.

چه بسا اشخاص که دارای حالت اضطراب بوده و در موقع آزمایش روحی روحیه نامساعدی دارند و برعکس هنگام عمل از رانندگان لایق ماهر بشمار میروند.

بعضی از رانندگان تندرست و سالم گاهگاهی تحت بعضی عوارض روحی مخصوصی قرار میگیرند.

برخی همینکه پشت رل نشستند در يك سلسله تخیلات و شیرین فرو رفته و عالم خواب و بیداری پیدا میکنند که در نتیجه آن طبعاً حواسشان کند شده نیروی دقتشان بکار نمی افتد اگر چه رانندگی يك اتومبیل در صورتی که راننده آزموده و سخت دل باشد مستلزم تمرکز کلی نیروی دقت نیست و عملاً هم راننده مدت مدیدی نمیتواند نیروی دقت را کاملاً بکار اندازد عادت تدریجاً حاصل و رانندگی صورت خود بخودی گرفته و نیروی فکر بیرواز آمده در هر چه فکر میکند و شاید بهترین مواقع تفکر در همان هنگام باشد.

خوب اگر در این موقع که راننده توسن فکر را در آسمان خیال تاخته نابهنگام خطری در رسد پیش آمد ناگوار تواند قبل از آن که راننده متوجه گشته بچاره سازی پردازد حاصل گردد.

پس این نیز یکی از نواع بروز حوادث عبور و مرور است.

پزشکی که راننده خوبی میباشد اظهار میدارد: «همینکه در ماشین خود نشسته و برانندگی مشغول میشوم يك حالت خلصه و غیر قابل بیانی در من پیدا میشود حتی اگر در آن هنگام کسی بامن سخن گوید بیهانه اینکه ممکن است حواسم پرت و اتفاقی روی دهد گوینده را خاموش و بفکر و خیالات شیرین خود میپردازم» با چنین

لزوم آزمایش طبی و روحی برای رانندگان محتاج باقلمه دلیل و برهانی نیست. البته گاهی بسیار سخت میگیرند و عده مختصری را اجازه رانندگی نمی دهند.

يك راننده نزدیک بین یا گوش سنگینی با احتیاط میتواند رانندگی نماید بنابراین لزومی ندارد اینان را از رانندگی محروم نمود بعلاوه آمار اتفاقات عبور و مرور این علیلی هارا در بروز اتفاقات ذکر نمی کند. در صورتیکه پیاده رویهای کروییا کم دید که باندازه کافی احتیاط نمیکنند بیشتر آسیب دیده اند.

رشته جدیدی در علم بیماریهای روحی بوجود آمده بنام «پسیکو تکنیک» و موضوع آن عبارتست از مطالعه و بررسی در استعداد اضطرابی و عقلانی اشخاص برای شغل های مختلف و تعیین شغلی که با استعداد روحی او بیشتر مناسب است.

از جمله استعداد دماغی و شرایط روحی لازم رنده را نیز تعیین مینماید و بدین ترتیب معلوم می کنند که آیا تأثیرات روحی راننده داوطلب در برابر پیش آمد های ناگهانی چگونه است آزمایش هایی که در این خصوص در امریکا شده نتایج خوبی داده است. چنانچه در نتیجه آزمایشهای پسیکو تکنیک که برای رانندگان اتوبوسهای شهر «بستن» بعمل آمده عده اتفاقات عبور و مرور بمراتب کمتر شده است.

با وجود اینگونه آزمایشهای پسیکو تکنیک نمیتوان کاملاً از حدوث اتفاقات درمان بود زیرا وقتی این آزمایش نتیجه میداد که روحیه شخص همیشه همان روحیه روز آزمایش باشد در صورتیکه میدانیم روحیه انسان تحت عواملی چند هر روز و هر آن در تغییر است الکل سمیات تریاک، حشیش، حواس پرتی های اتفاقی، خستگی..... و تمام شرایط فیزیکی و روحی در روحیه شخص عامل تغییراتی است و بنابراین فلان راننده که

فروریخته» (آکت مانکه در فرضیه فرود) که نیروی عقل مانع از قوه بفعل آمدن آن شده در اینموقع میدانرا خالی دیده ظهور کنند و موجب بروز حوادث گردند. مثلاً راننده‌ای که بایستی پیشواز یک نفر از بستگان خود برود و قلباً این ورود را میل ندارد.

از طرفی مقتضیات و مقررات خویشاوندی او را ملزم مینماید خردش بر احساسات و تمایلات چیره و وادار میشود که در اتومبیل خود نشسته و بملاقات مسافری که وارد میشود برود حال اگر چنین راننده سطح «توجه آگاه» خویش را تقلیل داده باشد که قبل از رسیدن بمقصد در دره افتد و یا بکوهی خورد تا بهانه برای نرسیدن بموقع داشته باشد این حادثه در دره افتادن یا بکوه زدن البته میل جدی راننده نبوده ولی تمایل باطنی و نامعلوم او بوده است.

ظهور حادثه اتومبیل کسی که اقوام خود را حمل میکند و بر ضد آنان شکایاتی دارد نیز معلول اینگونه آمال است این پیش آمدها در دو مورد تجزیه روحی که طبق اسلوب «فرود» بعمل آمده معلوم داشته است که علت بی احتیاطی همان «کردارهای خلاف میل» «یافرو ریخته» (آکت مانکه) بوده است.

کردارهای خلاف میل طبق فرضیه «فرود» عبارتند از رفتار و گفتارهایی که بملاحظه از قوه بفعل نیامده ولی میل بانجام آن همچنان در خاطر نامفهوم باقی و منتظر یک لحظه انقلاب درونی است که بصورتی از صور ظاهر شوند.

واضح است که هیچگاه رانندگان که موجب اینگونه پیش آمدهای ناگوار می گردند خود اقرار و اعتراف حقیقت حادثه را ننموده و کاملاً خود را از هر مسئولیت بری دانسته و آنرا غیر عمدی میدانند و طبعاً در مقام اقامه دلیل برای ظهور حادثه بر آمده و یا از پیریشانی حواس و بدبختی این پیش آمدپوزش میطلبند.

خیالات شیرین این همکار محترم روزی در تهره دره افتاده و هیچگونه بیانی از چگونگی وقوع حادثه نتوانست بدهد. تأثیر شدید این چگونگیهای روحی مفهوم یا غیر مفهوم (که مولد فکر و خیالات شیرین می گردد) در تولید اینگونه حوادث غیر قابل انکار است. راننده دیگری که پانزده سال رانندگی مینموده بیان می کند که هنگام رانندگی افکار و خیالات ایام کودکی او عرض اندام میکنند و آن افکار کود که مسافرتی دریائی بایک کشتی بادی بوده که او را در عالم خیال بکشورهای ناشناس برده و شاهد اتفاقات عجیب و غریب میگردید و این افکار همچو پرده سینما از جلو خاطر او میگذرد رانندگی علاوه بر حس توانائی در راننده تولید احساساتی مینماید که او را از محیط اجتماعی و مقیدات آن آزاد مینماید و این احساسات حالت اضطرابی اشخاص عصبانیرا موقتاً تسکین میدهد و نیز فرار از کسالت روحی و غمزدگی که ویژه روحی بعضی است اغلب علت زیادی سرعت و تند رفتن بعضی رانندگان است که روزهای تعطیل خود را فی الواقع در چندین جا می گذرانند.

از هر چه و هر جا خسته شده با سرعت تمام بجائی دیگر می روند تا مگر رفع کسالت روحی نمایند و در هیچ گوشه جای خوش و مفرحی نمی یابند اینان مضطربان روحی هستند که باستراحت و بهداشت روحی بیش از تفریح نیازمندند.

برخی عصبانیها در نتیجه رانندگی اندکی تسکین یافته و دماغ آنها از زیر تسلط افکار مودنی نجات مییابد یکدسته عصبانیهای دیگری برای تقلیل و فرار از «خود کاوی» برانندگی پناه برده و این خود خطرناک است. زیرا خود کاهی یا بعبارت دیگر توجه نداشتن بمحیط خارجی موجب پیریشان حواسی گشته و در این حالت تأثیر خواص روحی درونی شدت یافته و باشد که «کردارهای

افکار جدی او تا همین جا متوقف بود ولی ندانسته و بدون توجه این افکار در او دنباله پیدا نموده بصورت سرعت برق در آمده بود تا مگر انتقامی از زن خود کشیده و حادثه روی دهد.

البته اینها کشفیات تجزیه روحی «پسیکانالیز» بوده و راننده علت سرعت خود را زود رسیدن بموعد بیان نمود.

برخی که انتحار میکنند عمداً موجب پیش آمد ناگوار می گردند تا انتحار خود را بصورت پیش آمد ناگواری جلوه دهند.

يك نفر راننده بهانه تعمیر ماشین در کاراژ خود رفته در برا محکم بسته و موتور را روشن کرده بود تا با اکسید دو کربن خود کشی نماید فهمیدند و نجات یافت - دیگری يك پیچ سخت کوهستانی را برای پرت شدن انتخاب کرده بود بطوریکه گمان می رود بسیاری از پیش آمدهای ناگوار اتومبیل که غیر قابل توضیح بنظر می آید عمداً صورت گرفته و معلول قصد انتحار رانندگان بوده است ولی بیشتر این قصد انتحار معلوم و مفهوم راننده نبوده و مربوط بمحیط غیر معلوم میباشد و در واقع حادثه یکنوع مجازات است که بطور نامفهوم شخصی خود را بدان محکوم مینماید و این (خود را کیفر دادن) همان اصطلاح پسیکوا نالیزمی است و عبارت است از تنبیهی که انسان چون خود را تبه کار و گنه کار حس میکند برای خود قائل شده است. پشیمانی یکی از بهترین مظاهر (خود را کیفر دادن) میباشد: بخود بدمیگوئیم، افسوس میخوریم که چرا فلان کار یا اشتباه را نموده ایم، پشت دست خود را میگزیم یا میگوئیم من پشت دست خود را داغ میکنم که چنین رفتار یا گفتاری از من سرزنش و چون علت پشیمانی بر شخص معلوم است بهمین سرزنش های شخصی اکتفا شده و کار به «کیفر خود دادن» نمیرسد.

و نیز خشم و غضب و دلتنگی مختصر ممکن است موجب بروز پیش آمد های رانندگی شود چه در این مواقع است که شخص گله مند بوده و خود را مجروح می بیند شکایت و گله خود را تعمیم داده و ندانسته با هر چه و هر کس طرف است بالطبع با این حالت بروز پیش آمد حتمی است پس بهتر آنکه اگر خشمگین بوده و تازه از مجادله دست کشیده ایم از سواری و رانندگی صرف نظر نمائیم زیرا يك راننده خشمگین که افکار انتقام و تلافی دماغ او را پر نموده است بی احتیاط تر بوده و کمتر اصول رانندگی را مراعات مینماید و دانسته و ندانسته حرص خود را روی ماشین خالی خواهد نمود و از آنجا حوادث وقوع یابد.

هنگامی که دماغ آدمی دستخوش جوش و خروش و کینه ورزی است و با سرعت برق فرسنگها در نوردد کمترین حرکتی که بغلط و خود بخودی سرزند موجب حادثه بوده و قبل از آنکه راننده بتواند جلو گیری نموده و در صد تصحیح حرکت بر آید پیش آمد ناگوار روی داده است.

شرح حال یک نفر راننده عصبی که در راههای کج و معوج کوهستانی با سرعت غیر قانونی پیموده و مورد آزمایش تجزیه روحی واقع گردیده بود از لحاظ چگونگی روحی قابل توجه است: اعتراف می کرد که هنگام حرکت خلق تنگی پیدا نموده بود و چون اندک اندک رشته های پیچیده روحی راننده را که سبب سرعت بیاندازه گردیده بود از هم باز نمودیم کشف گردید که صبح آنروز با خانم خود سر موضوع دیگری گفتگو و مجادله داشت و هنگام حرکت خانمش هنوز حاضر نبوده و او را معطل کرده بود و این موجب خشمگین نمودن راننده بوده و در پشت رل افکارش دستخوش احساسات کینه ورزی و انتقام گردیده در دل خود میگفت: «ایکاش زن نگرفته بودم. اگر زن نداشتم خوشبختتر و آسوده تر هم بودم.»

دختر جوان پریشان‌حواسی و فقدان توجه را دلیل وقوع پیش‌آمد دانست. خوشبختانه هیچ‌یک از مسافری‌ن که افراد خانواده او بودند آسیبی ندیدند. یکی از این مسافری‌ن مادر دختر بود که بر اثر فکر آ‌بستن شدن نزد دختر طرف بغض ناآگاه فرزند قرار گرفته بود.

پانزده روز بعد از این پیش‌آمد اتومبیل همین‌که دختر بر آ‌بستنی خویش یقین حاصل نمود برای فرار از رسوائی تصد انتحار نمود و سمی گرفته و خورد ولی نجات داده شد.

در نتیجه تجزیه روحی این دختر معلوم گردید که حادثه اتومبیل معلول بمعادلات روحی ذیل بوده: سبب پیش‌آمد نخستین در معنی قصد انتحار و انتقام نابگاه دختر بوده است زیرا اولاً فکر آ‌بستنی که موجب رسوائی او میشد در او میلی نابگاه بفرار از این رسوائی بوسیله مرك ایجاد نموده بود ثانیاً چون دختر نسبت برابطهٔ مادر خویش با معشوق خود مشکوک بود میخواست در این انتحار رقیبهٔ خویش را با خود بسوی مرك کشانده باشد.

البته همیشه نمیتوان بدین نحو علل درونی واقعی را معلوم و کردارهایی که موجب پیش‌آمدهائی شوند کشف نمود اما همین شواهد معلوم دارد که رانندگان سخت‌دل و بی‌احتیاط که مراعات آئین رانندگی را ننموده مولد حوادث و اتفاقات سوء رانندگی میشوند همه تحت تأثیر همین‌گونه علل و جهات روحی قرار گرفته‌اند مثل اینکه با مرك بازی میکنند مغالزه با حادثه احتمالی می‌نمایند. سرنوشت خود را بدست اتفاق اقبال میدهند و از این کار بسی خرسند و مسرورند روحیه اینان به روحیه قماربازانی میماند که از اضطراب بازی شادمانی میکنند.

این اضطراب را بازر و سیم می‌خرند همین‌طور است روحیه پیاده‌هائی که با وسائط نقلیه سرسختی مینمایند.

این پشیمانی طبیعی است - و قتی‌که علت پشیمانی احساسات مبهم و نامعلوم تبه‌کاری باشد که بر وجود آگاه شخص مجهول مانده است برعکس شخص خود را بدون آگاهی بکیفرهائی محکوم نماید - مثل اشخاصی که « بدین » هستند اینان همیشه خود را مقصر و گنه‌کار می‌دانند پیش‌بینی‌های نامطبوع و بدی مینمایند همیشه منتظر بروز پیش‌آمد ناگوار هستند و چون این انتظار عمدی و معلوم قوی گردد بالاخره پیش‌آمد روی دهد و چون حادثه پیش‌آمد مثل اینکه کشر عصبی آنها و احساس گنه‌کاری تسکین یافته و گاهی بکلی آسایش روحی حاصل و آن افکار گناه و تقصیر از بین میرود گوئی در محاسبات روحی و اخلاقی پیش‌آمد حکم مفاصا حساب را دارد.

یکی از بیمارانیکه با اتومبیل خود در ته دره افتاده بود اعتراف میکرد که پس از وقوع پیش‌آمد در همان ته دره این فکر از خاطره معلومش میگذشت: « آه این همان حادثه است که مدت‌ها انتظارش را داشتم! و چون از تقصیر و گناه‌رهائی یافت باراننده دیگری که موجب ظاهری وقوع پیش‌آمد بود پرخاش نموده و مجادله میکرد.

امیال آزار رساندن بدیگری یا بخویشتن وقتی نزد راننده تولید شد موجب گردد که راننده قادر به ترمز کردن بموقع از برای اجتناب تصادف بایک نفر پیاده بایکماشین دیگری نمیشود.

گاه این میل مرضی معلوم خود راننده شده و برای احتراز از بروز حوادث احتیاط و ملاحظه و آفری می‌کند.

راننده دیگری دختری است که در پیش‌خود بیم آ‌بستن شدن را دارد و در درون خویش پیوسته با این فکر در جنگ و مجادله بود پیش‌آمدی رویداد و اتومبیل مثل اینکه بدون هیچ دلیلی واضح گوئی عمداً به ته دره افتاد.

همه دريك لحظه حاصل نشده بود دهقان بیچاره خورد شده بود.

اینجا میبینیم که امیال درونی چگونه در جهات متضاد آنآ در حرکت اند چه بسا رانندگان که در چنین مواقع همین احساسات را دارند. از طرفی خواهند بروی مانع رفته خورد کنند از طرفی عقل آگاه آنآ دخالت کرده از عملی شدن میل ناخواه و ندانسته جلوگیری کند.

مقدمات فوق ثابت مینماید که حوادث اتومبیل رانی بیشتر نتیجه علل روحی راننده و دیگر سرنشینان اتومبیل است آمارو قانون این علل روحی را بی احتیاطی، ناشی گری، سبک مغزی، سرعت زیاد... نام گذارد ولی بزعم ما برای جلوگیری از حوادث عبور و مرور بایستی بیشتر به علل روحی آن توجه داشت زیرا موضوع مرگ و زندگی در میان است.

بی احتیاطی، سبک مغزی، ناشی گری اینها همه معلول علل و عواملی است روحی که برای جلوگیری از نتایج وخیم آن بایستی بیشتر جنبه علم و روحی آن را در نظر گرفت.

در بیانات بالا علل روحی حوادث را امیال غریزی دانسته یا ندانسته دانستیم. از طرفی محرز است که بهترین سد هادر مقابل مسائل غریزی پاسبان پنهانی - وجدان و بالاخره مراتب اخلاقی است. اگر «غریزه های فروریخته» راه فراری یا وسیله تظاهر خارجی که مقبول مراتب اخلاقی باشد پیدا نمایند از آن استفاده نموده و بدین ترتیب تصحیح شده آنگاه به منصفه ظهور و بروز می رسند هر قدر مسرت های حاصله اخلاقی تر باشد بهترین بروز و ظهور صورت میگیرد. باید در نظر داشت که بی احتیاطی يك راننده موجب شناسائی گناه او نیست.

مقررات و آئین نامه هایی که برای رانندگی

از عرض راه میروند اینان نیز طالب اضطراب و وحشت بوده در واقع سرنقد جان بازی میکنند.

اینها علل روحی بروز حوادث نذراننده سالمی است چه رسد باینکه راننده نوشابه های الکلی نوشیده باشد راننده هشیار که خود را خداوند سرعت میدانند همینکه دماغش بامشروبات الکلی بجوش آمد دیگر خدا را بنده نیست و خطر سترکی برای رانندگان راه خواهد بود. زیرا حس توانائی او بانشاطیکه الکل در او ایجاد کرده تقویت یافته بی احتیاط تر بود و سریعتر می رود و چون در صورت لزوم خواهد ترمز کند یا مانعیرا احتراز نماید نتواند و در غلطد و جان خود را بادیگران در خطر اندازد.

پس رانندگان باید هیچگاه هنگام مستی گرد رانندگی نگردند زیرا هر گاه چنین کنند بادت خود بسوی مرگ خواهند رفت.

شرایط روحی دیگری نیز میتواند تعادل میان استعداد و قابلیت راننده و احساسات درونی او را بهم زده موجب بروز حوادث گردد: احساسات شهوانی که در راننده در نتیجه حضور معشوقه تولید میشود چه بسا عشاؤرا از عالم ملکوتی خویش به قعر دره ها پرتاب کرده است.

میل نشان دادن مهارت خویش بادیگران، میل ترساندن و بوحشت انداختن آنها، نیز از جمله علل روحی حوادث اتومبیل رانی است.

یکدسته از اتفاقات اتومبیل رانی نیز معلول جنایات ندانسته است مثلاً راننده خشمگینی که باعصبانیت تمام میراند بدهی رسید و با همان سرعت میخواست پیش رود. اتفاقاً دهاتی بیچاره سر راه بوده کنار نرفت دريك لحظه بسوی دهقان راند و اگر حرکت فوری دهقان و حرکت ثانوی در جهت معکوس راننده و ترمز کردن

ایجاد شده چون مسائل روحی را در نظر نگرفته نتوانسته که نزد رانندگان یا پیاده‌ها و رانندگان دیگر تولید حس مسئولیت اخلاقی نماید. برعکس بیشتر این مقررات تولید خشم و غضب و احساس ستم‌کنشی نزد راننده مینماید. وقتی که یکی از مقررات مثلاً وادار میکند که راننده در حین عبور از یک دهکده بسیار آرام برود. راننده همین که مراقبی نداشت هیچ مانع اخلاقی برای رفتار خلاف او نیست میتوان احساسات و کنش‌های رانندگان را در مقابل مقررات رانندگی با احساسات استعمال کنندگان الکل در امریکا موقع قدغن بودن خریدن الکل تشبیه نمود.

همان طوری که انسان شرب‌خمر کمی را غلط اخلاقی نمیداند و اگر قانون مانع آنست همین که بتواند خلاف آن نماید بدون هیچ عاقبتی خواهد کرد همین طور اگر مواد آئین نامه‌های رانندگی را بایک مراتب اخلاقی و مسئولیت‌های وجدانی تصحیح نکنیم ناچار رانندگان همین که از نظر مراقبین دوری جستند تخلف خواهند نمود.

خلاصه آئین نامه‌های کهنه و قدیمی که در بعضی کشورها موجود است این نقص را دارد البته قانون جدید راه فرانسه و سویس بهتر از مقررات قدیمی بوده ولی چون قیودات را فقط برای رانندگان اتومبیل قائل شده و تعمیم نکرده است رانندگان چنین انگارند که بدیشان ستمی نشده است.

بنابراین جلوگیری از حوادث عبور و مرور مسئله‌ای است اخلاقی زیرا که مستلزم سخت‌گیری و تغیر و هدایت امیال غریزی است - بیشتر بایستی به قوای روحی و مسائل اضطرابی و پاسبانهای اخلاقی و مسئولیت‌های وجدانی توجه داشت پس آئین نامه رانندگی بایستی ملزم نماید که از داوطلبان رانندگی اتومبیل امتحانات روحی-اخلاقی - فنی بعمل آید و

بعلاوه طرز تدوین شده باشد که تمام مسائل عبور و مرور را بصورت مدارج اخلاقی در آورده باشد بایستی مواد آئین‌نامه رانندگی همچو مسائل مذهبی در خاطره‌ها نقش بندد همان طور که خلاف او امر مذهبی رفتار کردن اگر چه کسی از آن اطلاع نداشته باشد متخلف احساس میکند کاری بد کرده گناه نموده است راننده نیز بایستی همین احساس را در مقابل تخلف از مواد آئین‌نامه پیدا نماید از طرفی میدانیم مسائل اخلاقی وقتی تأثیر عمیق و ثابتی دارد که از کودکی تلقین شده باشد از این لحاظ است که در کودکی در دبستان‌ها بایستی آئین‌نامه رانندگی هم‌چو مسائل مذهبی در خاطره‌ها نقش بندد و بایستی آنرا با شرایط اخلاقی آموخت با وجود این. این تعلیم نتایج مطلوبه نداده است علت آن بزم نگارنده توجه نداشتن بروحیه کودکان است. زیرا در دبستانها آموزش‌هایی که از نظر عبور و مرور داده میشود همیشه طوری است که طفل را پیاده تصور کند و وسائل فرار از خطرات اتومبیل را یاد می‌دهد بطوری که روحیه کودک نسبت باتومبیل بیزار میگردد این طرز آموختن بسیار بد و نتیجه معکوس میدهد زیرا حس توانائی کودک را تقلیل داده و تولید خشم و غضبی در او مینماید از آنجاست که بارها دیده میشود کودک در راه موجب دشواری عبور و مرور شده و عمداً بی احتیاطی‌هایی کنند اگر بجای اینکه همیشه کودک را پیاده رو بیانگاریم گاهی هم او را راننده فرض کرده بدین ترتیب حس توانائی او را تشجیع کنیم بهتر و بیشتر آئین‌نامه را اخلاقاً قبول و یاد خواهیم گرفت و بدین ترتیب نسل آینده را طوری تربیت میکنیم که مراعات مقررات رانندگی را کرده و اخلاقاً با احترام مواد آن عادت نماید.

با وجود این تعلیمات یک‌عده از رانندگان بالاخره تحت

تأثیر این تربیت اخلاقی واقع نشده و موجب حوادث عبور و مرور می گردند.

اینجا لازم است که در پیش آمد راننده مقصر را تحت آزمایش های روحی قرار داده علت را کشف و با تدابیر روحی باو بفهمانند که لیاقت رانندگی ندارد و نیز در موقع دادن گواهی نامه رانندگی آزمایش های روحی را مقدم بر آزمایش های فنی بشمارند.

لزوم این آزمایش های روحی قابل انکار نیست و آن نه تنها بایستی موقع دادن گواهی نامه اعمال شود بلکه هر موقع که پیش آمدی روی دهد بایستی نزد راننده مقصر آن آزمایش روحی را نمود زیرا روحیه انسان هر آن در تغییر و تحت شرایط مختلف و متغیری از قبیل خشم

اضطراب - وحشت - و عصبانیت میباشد و در این مواقع است که غرایز انسانی بدون ملاحظه قیودات اجتماعی عرض اندام کرده و کردارهای ندانسته بصور مختلف انتقام - قتل - انتحار گله ها متظاهر و موجب بروز حوادث می گردد.

خلاصه

بیشتر حوادث عبور و مرور نتیجه بعضی غرائزی است که بان ندانسته تعلق یافته باشد و برخی نتیجه مجادلات روحی علی رغم تمایلاتی است که منتهی بکردارهای ندانسته خطرناکی میگردد پس برای جلوگیری از این علل روحی تدابیر روحی لازم است.

در بیان طلاقیهای ندگانه

که موجب حرمت ابدی است

فصل اول

در معنای طلاق عدی

قانون مدنی در ماده ۱۰۵۸ میگوید (زن هر کس که به ۹ طلاق که شش تای آن عدی است مطلقه شده باشد بر آن شخص حرام مؤبد میشود) چون در ماده نامبرده اسم طلاق عدی برده شده لذا اول باید متوجه معنای آن شده پس از شرح آن بتفسیر و تفصیل موضوع پرداخت.

طلاق اساساً بر دو قسم است طلاق سنی و طلاق بدعی - طلاق سنی هم بر دو نوع است طلاق سنی بمعنای اعم و طلاق سنی بمعنای اخص - و کلمه سنی منسوب بسنة است و در اصطلاح حقوقی هر امر مباح و

شایسته را سنت مینامند و طلاق سنیرا هم باین مناسبت سنی مینامند که این نحوه طلاق مباح و جایز است - و همچنین لفظ بدعی منسوب ببدعت است و هر عمل حرام و غیر مباح را بدعت مینامند و طلاق بدعی را از این جهت بدعی مینامند که قانوناً آن طلاق حرام و غیر جایز است طلاق سنی بمعنای اعم عبارت از هر قسم طلاقی است که قانوناً جایز است و آنها عبارت است از طلاق رجعی و طلاق بائن و طلاق عدی

طلاق بائن طلاقی است که بواسطه آن میان زن و شوهر طوری بینونت و جدائی واقع میشود که شوهر اختیار رجوع بزن را در مدت عده پیدا نمیکند ولی طلاق رجعی طلاقاً است که شوهر میتواند در زمان عده بزن مطلقه خود رجوع کرده و بدون عقد مجدد